

تبیین و تحلیل انواع نظریات غایت‌انگارانه: خودگرایی دیگرگرایی همه‌گرایی

علی عسگری یزدی^۱، علی قنبریان^۲

^۱ دانشیار، گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران

^۲ پژوهشگر پسادکتری دانشگاه تهران / فلسفه اخلاق (نویسنده مسئول)

چکیده

در فلسفه اخلاق، به‌ویژه پس از کانت (Immanuel Kant / ۱۷۲۴-۱۸۰۴ م) این سؤال مطرح شد که آیا انجام فعل اخلاقی به انگیزه‌ای خارج از صرف تکلیف و الزام اخلاقی، فاقد اعتبار است و ارزش اخلاقی ندارد؟ نوع پاسخ به این پرسش، منشأ تقسیم نظام‌های اخلاقی به دو نحله کلی غایت‌گرا و وظیفه‌گرا شده است. نظریات غایت‌انگارانه به اعتبار اینکه خیر چه کسی را ملاک قرار می‌دهند، به ۳ نظریه خودگرایی (Ethical egoism)، دیگرگرایی (Altruism)، همه‌گرایی / فایده‌گرایی (Utilitarianism) تقسیم می‌شوند. این سه نظریه، با مبحث لذت‌گرایی پیوند خورده و مورد توجه فلاسفه اخلاق و عموم مردم بوده است؛ به‌ویژه فایده‌گرایی که در مجامع علمی و نهادهای دولتی و شخصی تأثیرگذار بوده است. در این مقاله این سه نظریه تبیین، تحلیل، و تا حدی نقد شده است.

واژه‌های کلیدی: خودگرایی، دیگرگرایی، همه‌گرایی (فایده‌گرایی)، غایت‌گرایی، لذت‌گرایی.

۱. خودگرایی اخلاقی^۱

انسان همیشه باید کاری کند که بیشترین خیر خودش را ایجاد کند...^۲ در واقع قاعده عمل باید در درازمدت به اندازه هر چیز دیگری غلبه خیر بر شر را برای انسان به دنبال داشته باشد وگرنه خطاست. البته ممکن است لازمه کسب منافع و لذت شخصی همه در گرو درستکاری و خیرخواهی باشد؛ از این رو این نظریه ملازمه‌ای با خودپسندی یا خودخواهی ندارد.

۱.۱. تفاوت بین خودگرایی روان‌شناسانه و خودگرایی اخلاقی

معمولاً میان خودگرایی روان‌شناسانه و خودگرایی اخلاقی تمایز می‌گذارند. اولی نظریه‌ای توصیفی در مورد این است که در واقع امر، مردم چگونه برانگیخته می‌شوند. طبق این نظریه، مردم همواره و فقط با توجه به آنچه منفعت شخصی خود می‌پندارند عمل می‌کنند. خودگرایی اخلاقی نظریه‌ای هنجاری است در این باب که مردم چگونه باید عمل کنند. طبق آن، فاعلان باید تنها با هدف ارتقای منفعت شخصی‌شان عمل کنند و این اصل بنیادین کنش عقلانی است.^۳ در لذت‌گرایی نیز بحثی شبیه خودگرایی مطرح شده است و لذت‌گرایی را بر دو قسم روان‌شناسانه و اخلاقی شناسانده‌اند. برخی نیز برای اثبات لذت‌گرایی اخلاقی (اینکه انسان‌ها باید به دنبال لذت باشند)، به لذت‌گرایی روان‌شناسانه تمسک کرده‌اند. اشکالی که بر ایشان کرده‌اند، مبتنی بر مغالطه استنباط باید از هست می‌باشد که نخستین بار دیوید هیوم آن را مطرح کرد. ممکن است بدون اینکه به درستی خودگرایی روان‌شناسانه باور داشته باشیم، خودگرایی اخلاقی را تأیید کنیم. در این صورت، فرد ممکن است معتقد باشد فاعل‌ها اغلب آن‌قدر که باید و شاید از نظر عقلانی منفعت‌جو نیستند. اگر عاقلانه باشد به شیوه‌ای عمل کنیم که منافع سایرین ارتقا یابد، انجام دادن چنین کاری تنها زمانی عقلانی و موجه است که وسیله‌ای برای افزایش منافع خود فرد باشد. صورت ضعیف‌تر این دیدگاه آن است که ما هیچ تعهدی برای اعطای ارج اخلاقی به منافع و رفاه دیگران نداریم. در هر دو خوانش، دگرخواهی به خودی خود هیچ توجیهی ندارد.

۲.۱. دلایل خودگرایان

خودگرایان اخلاقی برای دیدگاه خود دلایلی به دست داده‌اند که مهم‌ترین آن، حب ذات است. یعنی حب ذات و رضایت شخصی تنها اصل اساسی و هدف نهایی همه فعالیت‌های بشر است. بدین قرار حب ذات عبارت است از آرزوی به حداکثر رساندن لذت شخصی خود، لذتی که یگانه غایت اعمال ما است. در این نظریه از یک حقیقت روان‌شناختی و صفتی نفسانی به ضرورت اخلاقی استدلال شده است. به عبارت روشن‌تر، یکی از دلایل خودگرایی اخلاقی، تأکید بر خودگرایی روان‌شناختی است که معتقد است انسان‌ها به‌طور طبیعی خودگرا بوده و حب ذات تنها انگیزه‌ای است که بر جمیع رفتارهای اختیاری آدمی حکمفرماست.^۴ خودگرایی روان‌شناختی دیدگاهی است که می‌گوید انسان‌ها به‌طور طبیعی خودگرایند و تنها انگیزه‌ای که بر جمیع رفتارهای اختیاری آدمی حکمفرماست، حب ذات است. بر پایه این نظریه، آدمی از نظر زیستی به گونه‌ای است که نمی‌تواند منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد. از سویی ارزش و لزوم اخلاقی نیز تنها شامل کارهای اختیاری می‌شود و قدرت و توانایی شرط انجام عمل اختیاری است. خودگرایان اخلاقی معتقدند اخلاقی که براساس درک صحیح و واقعی از نیازها و توانمندی‌های ما بنا نشده باشد، نمی‌تواند اخلاقی درست باشد. از این رو، از نظر اخلاقی دیدگاهی پذیرفتنی است که خودگرایانه باشد؛ زیرا تنها این دیدگاه مبتنی بر نیازها و توانمندی‌های واقعی ماست. از نظر آنان توصیه اخلاقی به دیگرگرایی به دلیل ناسازگاری با طبیعت واقعی ما، توصیه‌ای نامعقول است.^۵ پیکور، هابز، و نیچه این نظر را پذیرفته‌اند.

۱. Ethical egoism.

۲. علی شیرازی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، ص ۶۳.

۳. جان‌اتان آ.، جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۸۲-۸۳.

۴. احمد دبیری، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۸-۹۹.

۵. ویللم کی. فرانک، فلسفه اخلاق، مترجم ه. لکھ، ج ۱، ص ۴۷-۵۷.

خودگرایی اخلاقی می‌گوید: صرف‌نظر از اینکه آدمی از نظر طبیعی چگونه است، تنها باید به دنبال منافع شخصی خود باشد. خودگروان اخلاقی دربارهٔ اینکه چه چیزی خوب یا بد است، می‌توانند هر نوع نظریه‌ای داشته باشند، هر چند اغلب لذت‌گرا بوده و خیر و مصلحت را به سعادت، و سعادت را به لذت تعریف کرده‌اند؛ اما ممکن است خیر یا مصلحت را به معرفت، قدرت یا کمال نفس تعریف نمایند. بنابراین آن‌ها لزوماً در قیاس با دیگران، خودخواه‌تر و خودبین‌تر نیستند.^۶

۳.۱. ارزیابی خودگرایی

مخالفان خودگرایی اخلاقی، که امروزه بسیاری از فیلسوفان اخلاق را شامل می‌شوند، معتقدند خودگرایی روان‌شناختی مردود است. از نظر آنان هرچند حب ذات انگیزه‌ای قوی در وجود آدمی است، این تنها انگیزهٔ نهفته در رفتارهای ما نیست، بلکه در پس بسیاری از کارهای ما انگیزه‌های دیگرگروانه نیز وجود دارد.^۷

محققان اشکالات متعددی را بر خودگروی روا می‌دارند که عبارت‌اند از:

الف) این نظریه دچار دوگانگی است، زیرا به سود فرد نیست که همهٔ افراد به دنبال سود خود باشند، و چنان‌که کانت گفته است، نمی‌توان خواهان این شد که اصل خودگرایی تبدیل به قانون عام شود. در واقع، ایراد خودگرایی اخلاقی، ماهیت تناقض‌آمیز آن است که موجب می‌شود نتوان توصیه کرد که همگان به آن پایبند باشند.^۸

تمثیل اول:

زنی را فرض کنید که می‌خواهد مرتکب سقط جنین شود و همسر وی داشتن فرزند را در راستای خیر خود می‌داند. در چنین موردی خودگرایی اخلاقی چه توصیه‌ای دارد؟ هم زن و هم مرد چنانچه به خودگرایی اخلاقی ملتزم شوند، باید بپذیرند از نظر اخلاقی هر دو رفتار ناسازگارِ آنان درست و الزام‌آور است. در این‌گونه موارد، پایبندی به خودگرایی گویای پذیرش تناقض است و نشان می‌دهد حتی اگر خودگرایی اخلاقی صحیح باشد، نمی‌توان از همگان خواست که آن را بپذیرند. از این رو، عملاً کارایی ندارد... مطابق این دیدگاه هیچ تضمینی برای ثبات احکام اخلاقی وجود نخواهد داشت.^۹

تمثیل دوم:

اگر شما سرتی را با دوستی در میان بگذارید و از او بخواهید آن را فاش نکند، دوست شما اگر افشای راز شما را مطابق لذت شخصی خود ببیند کاملاً حق دارد آن را فاش سازد. پس اگر آنچه مطابق لذت شخصی شما است گاهی با آنچه حقیقتاً مطابق لذت شخصی عده‌ای دیگر است تعارض داشته باشد، چنانچه بخواهید به لذت‌گروی شخصی، توصیه کنید ناچارید بگویید هر دو نحوهٔ عمل ناسازگار، الزام‌آورند... افشای راز و ترک افشای آن، هر دو اموری اخلاقی‌اند. زیرا هریک مطابق لذت شخصی همان فرد است و نظریهٔ لذت‌گرایی شخصی نیز لذت شخصی را برای همه توصیه می‌کند، نه فقط برای فرد خاصی. این مسئله موجب می‌شود که این دیدگاه عملاً در برخی موارد تناقض‌آمیز بوده و کارایی اخلاقی نداشته باشد.^{۱۰}

۶. امیر خواص و اکبر حسینی قلعه‌بهمن و احمد دبیری و احمد حسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفهٔ اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۴.

۷. احمد دبیری، فلسفهٔ اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۴.

۸. James Rachels, The element of moral philosophy, p.73-78.

۹. احمد دبیری، فلسفهٔ اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۵-۹۶.

۱۰. امیر خواص و اکبر حسینی قلعه‌بهمن و احمد دبیری و احمد حسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفهٔ اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۶.

ب) به لحاظ اینکه همه به دنبال سود خود هستند، هیچ‌گاه وظیفه توصیه، هدایت، و راهنمایی تحقق پیدا نمی‌کند؛ زیرا افراد در مشورت دادن به دیگران و داوری بین دو یا چند نفر باید سود خود را در نظر بگیرند.

پ) این نظریه خودشکن است؛ زیرا بسیاری از مواضع و تصمیم‌گیری‌ها به گونه‌ای هستند که اگر فاعل برای به حداکثر رساندن نفع شخصی خود اقدام کند، به طرز شگفت‌انگیزی سود کمتری به دست می‌آورد تا اینکه با تشریک مساعی عمل کند.^{۱۱}

ت) اشکال این نظریه عدم تفسیر واقعی «من» و «خود» است؛ زیرا اگر «من» انسان صرفاً یک «من» مادی و حیوانی باشد، هیچ‌گاه به اخلاق نخواهیم رسید ولی اگر «من» انسان یک «من» ملکوتی و الهی و دارای جنبه‌های اجتماعی و روح گروهی باشد، آن‌گاه اخلاق مطرح خواهد شد. از این رو، اسلام هیچ‌گاه با «حب ذات» مبارزه نکرده است، بلکه حب ذات به عنوان موهبتی الهی مورد استدلال انبیا واقع شده است؛ یعنی انبیا فرموده‌اند که اگر می‌خواهید به سعادت ابدی برسید، باید این قوانین را رعایت کنید و این صفات را در خود ایجاد کنید. «خود» واقعی انسان، زینت نفس به صفات الهی و رسیدن به قرب الهی است که برای رسیدن به این «خود»، تمام قوانین اخلاقی باید اجرا شوند.^{۱۲}

ث) در خودگرایی اخلاقی استنباط باید از هست، صورت گرفته است. زیرا یکی از دلایل خودگرایی اخلاقی، تأکید بر خودگرایی روان‌شناختی است که معتقد است انسان‌ها به طور طبیعی خودگرا بوده و حب ذات تنها انگیزه‌ای است که بر جمیع رفتارهای اختیاری آدمی حکمفرماست. گذر واقع خودگرایان بین خودگرایی روان‌شناسانه و خودگرایی اخلاقی ارتباط برقرار کرده و نمونه اخلاقی آن را از نمونه روان‌شناسانه استنباط و استخراج می‌کنند. مانند همین ایراد به نظریه بنتام در لذت‌گرایی اخلاقی شده است.^{۱۴}

۲. دیگرگرایی اخلاقی

دیگرگرایی یکی از مکاتب واقع‌گرای اخلاقی است که معتقد است هر کاری که به انگیزه دوستی دیگران و به فرمان عاطفه غیردوستی از انسان صادر گردد خوب و هر آنچه به انگیزه حب ذات و مصلحت خویشتن از انسان صادر شود به بدی متصف می‌گردد. در واقع، خیر گروهی ملت، خانواده، نژاد، و طبقه‌ای ویژه ملاک خوب و بد است. عجب ذات با خودخواهی و خودپرستی تفاوت دارد و با دیگرگرایی قابل جمع است.^{۱۵} گاهی عاطفه (غیردوستی) آن‌چنان در بعضی از انسان‌ها اوج می‌گیرد که از اینکه لذت و سود به دیگران برسانند بیشتر خوشحال می‌شوند تا اینکه به خودشان برسند. یعنی از اینکه بپوشانند بیشتر خوشحال می‌شوند تا بپوشند و از اینکه بخوراند بیشتر لذت می‌برند تا اینکه بخورند و از اینکه آسایش برسانند خوشحال‌تر می‌شوند تا اینکه به آسایش برسند.^{۱۸}

خودگرایان استدلال می‌کنند که فضایی مانند صداقت، وفاداری، بخشنده‌گی، شجاعت، و انصاف تنها به دلیل اینکه در خدمت بیشینه‌سازی نفع شخصی هستند، فضیلت به شمار می‌روند. هر شکلی از آن‌ها که نفع فرد را بیشینه نسازد، نمی‌تواند فضیلت باشد. نظریه پردازان غیر خودگرا می‌گویند حالاتی از شخصیت که فقط نفع شخصی را ارتقا می‌دهند، به عنوان فضایل به شمار

۱. ویللم کی. فرانک، فلسفه اخلاق، مترجم ها، ج ۱، ص ۴۷-۵۷.

۲. حسن معلم، فلسفه اخلاق (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص ۸۱، ۱۰۱).

۱۳. احمد دبیری، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۸-۹۹.

۱۴. نیکولاس مک‌لار، به لم میل و مکتب‌فایده‌گرا، ص ۱۵.

۱. Altruism. ۵

۱۵. حسن معلم، فلسفه اخلاق (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص ۸۱، ۱۰۱).

۱۷. احمد دبیری، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۹.

۱۸. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق ص ۱۲۰.

نمی‌آیند؛ مثلاً اگر دوستی‌ها یکسره خودخواهانه بودند، چگونه مشارکت طرفین دوستی می‌توانست مبین وفاداری، یکدلی، احترام، و دغدغه که قطعاً به نظر می‌رسد برای دوستی واقعی حیاتی‌اند، باشد؟ خودگرایان و غیرخودگرایان اخلاقی مصلحت‌اندیشی را به‌نحو متفاوتی تفسیر می‌کنند. برای غیرخودگرایان، این مفهوم به‌منزله نفع شخصی محدود افراد نیست، بلکه مبین فهمی از خیر بشر است. از نظر غیرخودگرایان، کنش فضیلت‌مندانه برای فاعل فضیلت‌مند خوب است، اما خوبی آن به‌خاطر فضیلت‌مندی‌اش است، نه صرفاً از آن رو که در خدمت نفع فاعل است.^{۴۱} مدافعان این نظریه می‌توان به دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) فیلسوف اسکاتلندی، آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) اقتصاددان انگلیسی، اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸) جامعه‌شناس معروف فرانسوی و آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰)، فیلسوف آلمانی اشاره کرد.

۱.۲. دلایل دیگرگرایان

انسان تنها حب ذات ندارد، بلکه گرایش به نیکی نیز در انسان وجود دارد. به دیگر بیان، ما گاه آگاهانه به‌گونه‌ای عمل می‌کنیم که با در نظر گرفتن همه جوانب، خیر خود را دنبال نمی‌کنیم. قبول این گزاره مساوی با نقض خودگرایی است.^{۲۲} به بیان دیگر، انسان امیال و کشش‌های دیگری نیز دارد که به جانب دیگران است؛ امیالی که در ارضای آن‌ها در ابتدا به لذت خود توجه نمی‌کند. وفای به عهد از آن دسته امور است که تأمین‌کننده منافع و لذت‌های شخصی فرد نیست، اما فرد نسبت به آن احساس وظیفه می‌کند و تمایل دارد به آن وفادار بماند. بنابراین در انسان علاوه بر میل خودگروانه، امیال و عواطف دیگرگروانه‌ای نیز وجود دارد که وی را به انجام اعمال خاصی، بدون توجه به لذت یا خوشایندی مستقیم آن سوق می‌دهد. از این رو، ما گاهی اوقات، با در نظر گرفتن همه جوانب، آگاهانه و بدون توجه به لذت خود، از سر نوع دوستی عمل می‌کنیم. البته انسان از این اعمال نیز لذت می‌برد.^{۲۳}

۲.۲. اشکال بر دیگرگرایی

شاید مهم‌ترین عاملی که موجب گرایش به خودگرایی روان‌شناختی می‌گردد، احساس لذت و رضایت باطنی باشد که از اعمال دیگرگروانه حاصل می‌شود. در این تحلیل حتی انگیزه مادر در ایثار و فداکاری برای فرزند همان احساس لذت و رضایت‌مندی است که از این عمل دارد. در این صورت ممکن است چنین برداشت شود که در پس همه اعمالی که از سر نوع دوستی انجام می‌شو، عملاً منفعت خود فرد مورد نظر است.^{۲۵} و دیگرگرایی معنا ندارد.

۳. سودگرایی یا همه‌گرایی اخلاقی^{۲۶}

این مکتب به‌وسیله دو دانشمند انگلیسی «جرمی بنتام»^{۲۷} (۱۵ فوریه ۱۷۴۸-۶ ژوئن ۱۸۳۲) و «جان استوارت میل»^{۲۸} (۲۰ مه ۱۸۰۶ - ۸ مه ۱۸۷۳) پی‌ریزی شده که مربوط به دوران رنسانس می‌باشد. مکتب نفع عمومی پیوند نزدیک با مکتب

۱۹. جانان‌آ، جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۸۲-۸۳.

۰. David Hume. ۲

۱. Adam Smith. ۲

۲۲. احمد دبیری، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۹.

۲۳. امیر خواص و اکبر حسینی قلعه بهمن و احمد دبیری و احمد حسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۷.

۴. Beneficence. ۲

۲۵. احمد دبیری، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، ص ۹۵.

۶. Utilitarianism. ۲

لذت‌گرایی شخصی دارد. در مکتب لذت‌گرایی، ملاک اخلاقی بودن فعل، «لذت شخصی» بود؛ در حالی که یک رشته افعال اخلاقی داریم که شخص در آن‌ها محور نیست بلکه ملاک خدمت به جامعه و منتفع شدن آن است. به‌خاطر چنین اشکالی واضح در آن مکتب، دو دانشمند انگلیسی، قید «شخصی» را به نفع عمومی، عوض کرده و فعل اخلاقی را چنین توصیف می‌کنند: «فعلی که مایه لذت مستمر یا غالب بر الم، نسبت به جامعه است». چنین دگرگونی، به‌خاطر فلسفه‌ای است که «بن‌تام» از آن پیروی می‌کرد؛ زیرا او با حکومت استبدادی، و حکومت اشرافی (آریستوکراسی) موروثی مخالف بود و از حکومت دموکراسی، حمایت می‌کرد و با امپراتوری انگلیس در هند و دیگر مستعمرات مخالف بود. در این مکتب عملی که برای «حصول و تولید بزرگ‌ترین خوشی و سعادت برای بزرگ‌ترین عده» قرار گیرد، حق و درست‌خواهد بود و ملاک ارزش یا درستی، نتیجه فعل است، نه انگیزه آن.^{۲۹}

سودگرایی در مواجهه با نظریات فریضه‌گرایی و خودگرایی پدید آمد و هدف آن رفع نقص‌های این دو نظریه بود. فرانکنا در این باره می‌گوید: «نظریه‌های وظیفه‌گروانه^۱ به سایر مردم اهمیت می‌دادند اما به ازدیاد خیر به اندازه کافی اهمیت نمی‌دادند. خودگروی به ازدیاد خیر اهمیت می‌داد اما به سایر مردم به اندازه کافی بها نمی‌داد. سودگروی هر دو نقیصه را در آن واحد جبران می‌کند.»^۲ آؤ به اصل فایده‌مندی معتقد است که از آن با نام «اصل بیشترین خوشی» نیز یاد می‌شود.^{۳۳}

سودگرایی یا همه‌گروی مانند خودگروی و دیگرگروی از مکتب‌های اخلاقی غایت‌انگازانه است که معیار خوب و بد را غایات و نتایج عمل می‌داند.^۴ سودگرایی باور دارد یک عمل، در صورتی از نظر اخلاقی، حق و عادلانه است که بیشترین سود را برای بیشترین افراد ایجاد کند.^۵ منظور از سود و خوشی در این مکتب، لذت است که با محاسبه خاص می‌توان درباره اعمال، لذت آن را اندازه‌گیری کرد.^۶ تخیر عمومی یعنی خیر و غلبه آن بر شر در تمام جهان. این، ملاک نهایی خوب و بد اخلاقی است. بن‌تام، میل (لذت‌گرایان) و جی.ای. مور و هستینگر رشدال (غیرلذت‌گرا سودگرای آرمانی) از طرفداران این نظریه هستند.

فایده‌گرایی همچون منطق صوری است انسان‌ها همگی در ذهن خود به تنظیم قیاسات مشغول‌اند؛ اساساً هنگام فکر کردن در هر زمینه‌ای، غالباً بدون این که هوشیار باشند، صغری و کبری می‌چینند و استنتاج می‌کنند. به این ترتیب، آموزش منطق همچون آموزش چیزی نیست که فرد نمی‌داند، و باید یاد بگیرد و «باید» عمل کند، چراکه به‌طور فطری و غریزی و طبیعی می‌داند و به آن عمل می‌کند. با وجود این، تعلیم منطق بیهوده نیست، چون تدقیق همان دانسته‌ها و هوشیاری و آگاهی نسبت به آن و تلاش برای کاربست ماهرانه‌تر و درست‌تر آن است. حکم فایده‌گرایی و لذت‌گرایی هم همین است. این تشخیص و تمایل در ذهن و ذات انسان مرکوز است، و به‌طور طبیعی عمل می‌کند و انسان‌ها به کمک محاسبات فایده لذت، به انتخاب‌های زندگی خود دست می‌زنند؛ اما مطالعه در باب آن و آموزش آن، کارکرد دقت بیشتر در این محاسبات و پرهیز از اشتباه و

۲. Jeremy Bentham. ۷

۲. John Stuart Mill. ۸

۲۹. ریچارد پاپکین و آروم استرول، کلیات فلسفه، ص ۵۱-۵۲.

۱. اعظم ایرجی، فصل‌نامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی گنگ لذت‌انگیز بر حکمت صدر و سودگرایی به لحاظ ۲ ۳۴

۳. Deontology.

۴. ویلیم کی. فرانک، فلسفه اخلاق، مترجم ه. لخصه، ص ۳۲۸۵

۵. فردریکک پلستنی، تاریخ فلسفه: از بن‌تام تا رابرت، ص ۳۳

۶. حسن معلی، فلسفه اخلاق از آتون اندیشه جوان‌ها، ص ۱ ۳۴

John Stuart Mill, Utilitarianism and on Liberty, p30.

۳۶. مهدی محمدنویس، مبانی و سعید فطرتی فرد، ته‌ایسه عدالت از دیدگاه اسلام و مکتب سودگرایی، ص ۳۶

سطحی‌نگری و مغالطه را دارد. فی‌المثل لذت‌طلبی افراطی و بی‌توجه یا به هزینه رنج بی‌حساب دیگران می‌تواند یک مغالطه تلقی شود که ظاهراً با اصول فایده‌گرایی مطابق به نظر می‌آید اما دچار اشتباه محاسبه است.^{۳۷}

۱.۳. اشکالات فایده‌گرایی

۱.۱.۳. اشکال اول: توجه نکردن به روابط خویشاوندی

منتقدان فایده‌گرایی بر این باورند که فایده‌گرایی با دوستی و روابط شخصی دیگری که ذاتاً جانبدارانه‌اند، ناسازگار است.^{۳۸} بنابراین تکلیف فوق‌طایقی است که از انسان‌ها بخواهیم، برای اخلاقی بودن، خود و خویشان و دوستان و علایق و گرایش‌شان را یک‌جا کنار بگذارند و صرفاً در بند این باشند که کدام گزینه خوشبختی عمومی را افزایش می‌دهد.^{۳۹}

۲.۱.۳. اشکال دوم: محدودیت در آزادی افراد

اشکال فایده‌گرایی آن است که فرد، هیچ‌گاه نمی‌تواند قانون‌گذار خود باشد و بدون اعمال نظر مداخله‌گرانه یا هدایت یا اجبار دیگران، به‌طور مستقل، تصمیم‌های شخصی‌اش را بگیرد. بنابراین فاعل در چنین نظریه‌ای، همواره به‌وسیله ملاحظات، امیال، شرایط، و ویژگی‌هایی که از بیرون بر او تحمیل شده‌اند، هدایت می‌شود.^{۴۰} جان رالز ابتدا این اشکال را مطرح کرده و سپس آن را نقض می‌کند:

«غالباً فایده‌گرایی را نظریه‌ای فردگرایانه می‌دانند و مسلماً دلایل خوبی برای چنین تصویری وجود دارد. حقیقت آن است که فایده‌گرایی نظریه فردگرایانه‌ای نیست. فایده‌گرایان مدافعان سترگ آزادی‌های اساسی افراد، از جمله آزادی اندیشه بودند و معتقد بودند که خیر جامعه چیزی جز منافع افراد آن نیست.»^{۴۱}

۳.۱.۳. اشکال سوم: مشکل محاسبه لذات

فایده‌گرایی به «محاسبه» لذات و منافع در مقام تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی باور دارد، و این، گاه باعث انکار می‌شود. برخی بر این‌اند که چنین کاری ناممکن است، چراکه جنس لذات متنوع است و حتی محاسبه شدت و پایایی آن‌ها هم بسیار مشکل و پیش‌بینی آن محال می‌نماید؛ اما این مسئله فایده‌گرایی نیست، مسئله کل علوم انسانی و اجتماعی است. در تمامی این علوم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها محاسبه اموری است که به ذات خود کمیت‌بردار نیستند، ولی این مشکل لاینحلی نبوده است. در روانشناسی و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و... دانشمندان و محققان به کمک شاخص‌سازی سعی می‌کنند اموری مثل میزان هوش یک فرد، همبستگی یک گروه، قدرت یک کشور را محاسبه و با موارد دیگر مقایسه کنند. البته تردیدی نیست که اگر کسانی این محاسبات را دقیق و عینی و تنها راه مطالعه علمی تلقی کنند اشتباه می‌کنند. این برآوردهای کمی، در شرایط بهینه می‌توانند روایتی کم‌وبیش از واقعیت به‌دست دهند، اما به هر حال تخمینی و تا حدودی ساجکتیواند و موضوع اختلاف و نقد؛ اما از این اوصاف به ناممکنی یا بی‌فایده‌گی محاسبه پل زدن کار غلطی است. محاسبه میزان لذت یک کار، کاری است ممکن و مفید البته گاه دشوار و غیردقیق و درآمیخته با اشتباه و اختلاف؛ اما این‌ها اوصاف بسیاری از کارهای بشری است و نه فقط سنجش لذت و فایده. مهم این است که اندازه‌گیری فایده و لذت و مقایسه امکانات و انتخاب بعضی کارها و ترجیح بعضی بر بعضی، براساس آن، عملی است که انسان‌ها و نهادها «دائماً» مشغول آن‌اند؛ چندان‌که اگر «فکر کردن» را عموماً و اصالتاً محاسبه سود و زیان و لذت و الم امور به حساب آوریم، به گمان من، خیلی از حقیقت دور نیفتاده‌ایم. هرچند این محاسبات هم

ج. فی‌استیوارت لیچ، فایده‌گرایی ص ۲. (مقدمه مرتضی مرتضی ۳۷)

. شیرزاد پیک‌حرف، خ. لگ، نخستین: لیخچه وک، لوی و نقد گونه، علی‌کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلو س. کسن و انگلو امریک ۳۸

ص ۲

ج. فی‌استیوارت لیچ، فایده‌گرایی ص ۵. ۲. لی‌لداشت مرتضی مرتضی ۳۹

. شیرزاد پیک‌حرف، خ. لگ، نخستین: لیخچه وک، لوی و نقد گونه، علی‌کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلو س. کسن و انگلو امریک ۴۰

ص ۲

در بسیاری موارد نه روی کاغذ و به شکل تفصیلی بلکه در ذهن و با سرعت باشد، و دشواری و بی‌دقتی و اختلاف و خطاکاری مانع کارکرد آن نبوده است.^{۴۲}

۱.۱.۴. اقسام سودگرایی (فایده‌گرایی)

۱.۱.۴. تقسیم اول: براساس راهکار اجرای اصل فایده در عمل

الف) سودگرایی عمل‌محور (حداکثری): فایده‌گرایان عمل‌محور معتقدند که به‌طور کلی یا در هر جایی که ممکن باشد، باید با توسل مستقیم به اصل فایده بگوییم چه چیزی درست یا الزامی است؛ به بیان دیگر با تأمل در اینکه کدام‌یک از افعالی که پیش روی ماست تحقیقاً یا محتملاً بیشترین غلبه خیر بر شر را در جهان ایجاد می‌کند. بر طبق این نوع فایده‌گرایی باید بپرسیم: «این عمل من در این موقعیت چه تأثیری بر غلبه کلی خیر بر شر دارد؟» نه اینکه بپرسیم: «این نوع عمل از هر کسی در این نوع از اوضاع و احوال چه تأثیری بر غلبه کلی خیر بر شر دارد؟» در نظر فایده‌گرایان عمل‌محور تعمیماتی از قبیل «راستگویی احتمالاً همیشه بیشترین خیر عمومی را در بردارد» یا «راستگویی معمولاً بیشترین خیر عمومی را در بردارد» را می‌توان راهنمایی‌های مفیدی دانست که بر تجربه‌های گذشته استوارند؛ اما سؤال مهم همیشه این است که «آیا راستگویی در این مورد خاص بیشترین خیر عمومی را در بر دارد یا نه؟» اگر ما دلایل مستقل متعددی داشتیم که بپنداریم در موردی خاص راست نگفتن متضمن بیشترین خیر عمومی خواهد بود، هیچ‌گاه درست نیست که براساس قاعده راستگویی عمل شود. فایده‌گرای عمل‌محور اصرار و عقیده دارد که بسیاری از اعمال که خطا هستند و به‌طور متعارف نیز همگی، آن‌ها را خطا می‌دانند اگر بدون تناقض بر طبق نظریه فایده‌گرایی عمل‌محور به کار برده شوند درست خواهند بود. به عبارت دیگر، در پاره‌ای از وضعیت‌های نادر فایده‌گرایان عمل‌محور مجاز به نقض قواعد اخلاقی سنتی هستند به شرط آنکه با این کار توافقی میان سعادت و شادکامی و شقاوت و تلخ‌کامی عمومی ایجاد کنند.

تمثیل اول:

به‌عنوان مثال مرد فقیری که برای تغذیه خانواده‌اش از شخصی ثروتمند دزدی می‌کند، یا مادری که قول و وعده پرداختن مقدار مشخصی پول را به فرزندش که کاری را برای او انجام داده به دلیل داشتن مورد استفاده بهینه‌تر از همان پول نقض می‌کند، یا شهروند پرمشغله‌ای که در روز رأی‌گیری پای صندوق اخذ رأی حاضر نمی‌شود، همه‌وهمه مواردی هستند که می‌توانند مجاز شمرده شوند.^{۴۴}

تمثیل دوم:

اگر یک جراح مغز که به فایده‌گرایی قائل است و یک گدای غیرمتخصص و غیرمتفکر بر قایقی که در حال غرق شدن است و فقط یک نفرشان را می‌تواند حمل کند، سوار باشند آن وقت جراح می‌تواند عقیده داشته باشد که مجاز است تا گدارا به آب بیاندازد. در اینجا جراح قاتل، با نجات دادن زندگی خود و مهارت‌های پزشکی‌اش شادکامی و سعادت بیشتری برای اکثر مردم به بار خواهد آورد تا گدایی که معلوم نیست چه وقت می‌تواند مفید واقع شود. این درحالی است که برخی از اعمال اگرچه سبب بیشترین شادکامی شوند، با وجدان و حس اخلاقی انسان‌ها که فطری است، سازگاری ندارد: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».^{۴۵} خدا راه نجات را به انسان نشان داده است و این اوست که باید تصمیم بگیرد که آن را دنبال کند یا گمراه شود.

ج. لی‌استیوارت، فایده‌گرایی، ص ۳. (مقدمه مرتضی مرتضی ۴۴)

Act utilitarianism.

۴۴. مجتبی گلستانی، بخش میانی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری ص ۸۷

۴۵. مجتبی گلستانی، بخش میانی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری ص ۸۵

امروزه جی.سی.اسمارت و جوزف فلچر این نظریه را پذیرفته‌اند و شاید بتوان جی.ای.مور و حتی جان استوارت میل را در این دسته جای داد. می‌توان نظریهٔ بنتام را با توصیفی خاص‌تر سودگرایی عمل‌نگر نامید.^{۴۷} احتمال دارد سودگرایی خودگرایانه^{۴۸} و دیگران برای سودگرایی عمل‌نگر باشند. سودگروی عمل‌نگر به دو نظریهٔ جزئی‌تر قابل تقسیم است:

– **سودگرایی عمل‌محور محض (مطلق):** اجازهٔ استفاده از هیچ قاعده یا تعمیمی از تجارب گذشته را نمی‌دهد و اصرار دارد که در تک‌تک موارد، آثار و نتایج تمام اعمالی که پیش روی ماست، بر شادکامی عمومی از نو سنجیده و محاسبه شود. انتقادی که بر فایده‌گرایی عمل‌محور محض وارد است، اینکه کاملاً واضح است که از نو سنجیدن و محاسبه کردن آثار و نتایج تمام اعمال در تک‌تک موارد اصلاً عملی نیست.^{۴۹}

– **سودگرایی عمل‌محور معتدل:** استفاده از قواعد عمل استعجالی (سرانگشتی) را که بر تجارب قبلی استوار است، اجازه می‌دهد.

ب) سودگرایی کل‌گرایانه (عام): سودگرایی عمل‌نگر، ملاک ما نفس عمل بود، ولی در سودگرایی عام، نوع عمل (عمل از هرکس که سربزند چه آثاری دارد) مطرح است.

سودگرایی عام معتقد است که در هر اوضاع و احوالی نباید پرسید کدام عمل بهترین نتایج را دارد و دربارهٔ قواعد نیز صحبت نمی‌کند؛ براساس فایده‌گرایی کل‌گرا نباید پرسید: «اگر در این مورد خاص چنین و چنان بکنم چه نتایجی خواهد داشت؟» یا «از چه قاعده‌ای باید پیروی کنم» یعنی براساس سودگرایی عام باید پرسید: «اگر هرکس بخواهد در چنین مواردی چنین و چنان کند، چه رخ خواهد داد؟»^{۵۰}

مبنای سودگرایی عام این است: «اگر در موقعیتی خاص، کاری برای کسی درست است، پس انجام دادن آن برای همهٔ کسانی که موقعیت مشابهی دارند درست است». بنابراین نمی‌توان تنها پرسید که عمل مورد نظر در آن مورد خاص چه نتایجی خواهد داشت، بلکه باید پرسید اگر در چنین مواردی همه بخواهند مانند هم عمل کنند، چه پیامدهایی خواهد داشت. ام.جی.سینگر این نظریه را به بهترین وجه بیان کرده است. به‌عنوان مثال، اگر فقیری از ثروتمندان دزدی کند، ممکن است برای او غلبهٔ عمومی خیر بر شر ایجاد کند، ولی نباید چنین کند؛ زیرا اگر همهٔ فقیران این عمل را انجام دهند، پیامدهای نامطلوبی خواهد داشت.^{۵۱}

ارزیابی

الف) از آنجا که بین افعال انسان و اهداف مطلوب او ضرورت بالقیاس و بالغیر برقرار است و نیز هر عملی نتیجهٔ ویژهٔ خود را دارد و نیازهای انسان ثابت و متغیر است و هر نیازی فعل خاص خود را می‌طلبد و اهداف نیز به میانی و نهایی تقسیم می‌شوند، پس بدون قواعد اخلاقی، باید و نبایدهای ثابت و نظام خاص تربیتی نمی‌توان به اهداف مطلوب رسید.^{۵۲}

۴۷. مایکل پالمر، مسائل اخلاقی: متن آموزشی فلسفهٔ اخلاق، ص ۲۱۹؛ ویلیام. کی. فرانکنا، فلسفهٔ اخلاق، مترجم: هادی صادقی، ص ۸۸-۹۱.

۴۸. Egoistic utilitarianism.

۴۹. مجتبی گلستانی، بخش می از ک به مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری ص ۴۹

۵۰. Thumb.

۵۱. Universalistic utilitarianism.

۵۲. مجتبی گلستانی، بخش می از ک به مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری ص ۵۲

۵۳. ویلیام کی. فرانکنا، فلسفهٔ اخلاق، مترجم: هادی صادقی، ص ۸۹-۹۰

۵۴. حسن معلی، فلسفهٔ اخلاق (مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص ۸۱-۸۴)

ب) فایده‌گرایی قاعده فاصله کمتری با عرف قضاوت اخلاقی دارد و آشوب کمتری در نظم اخلاقی مستقر می‌اندازد و مخالفت‌ها و منتقدان کمتری را هم برمی‌انگیزد. فایده‌گرایی عمل مدعای بزرگ‌تر و به همین دلیل مسئله‌دارتری به نظر می‌رسد؛ چون چنین می‌نماید که این برداشت از فایده‌گرایی، قواعد مرسوم اخلاقی را بی‌اعتبار می‌کند. هر عمل خاصی صرف‌نظر از این‌که، در مقولات جاف‌تاده اخلاق مرسوم، دروغ یا راست، وفای عهد یا نقض آن ... و نهایتاً درست خوانده شود یا نادرست، خوب است، اگر به افزایش خوشحالی و شادکامی بیشتر مردم منجر شود، و بد است اگر خلاف آن عمل کند.^{۵۵}

پ) این شیوه باعث می‌شود که آدمیان برای انتخاب اخلاقی دائماً در اضطراب محاسبات پیچیده به سر برند... به دیگر بیان، پیش از اقدام به فعل، زمان کافی برای محاسبه تأثیر هر رفتاری بر خوشبختی عمومی وجود ندارد. این دقیقاً شبیه این است که کسی بگوید تطبیق رفتارمان با آیین مسیحیت محال است، زیرا هر بار که قرار است در موردی اقدام کنیم، وقت کافی برای مطالعه کتاب مقدس نداریم. پاسخ ایراد فوق این است که به قدر کفایت وقت وجود داشته است. ما زمانی به اندازه عمر نوع بشر برای چنین محاسباتی وقت داشته‌ایم. در طول تاریخ، انسان‌ها از راه تجربه، آموخته‌اند که چه کارهایی چه پیامدهایی دارد. همین تجربه است که مدار و محور تدبیر و دوراندیشی و اخلاق زندگی است. برخی چنان سخن می‌گویند که گویی این رشته تجارب از همین حالا آغاز شده است، و انگار که وقتی کسی در آستانه تعرض به جان و مال کسی قرار می‌گیرد، بایستی برای اولین بار در مقام ملاحظه این برآید که آیا قتل یا دزدی مضّر به حال خوشبختی خلاق هست یا نه. گرچه حتی در چنین شرایطی هم که شخص سابقه‌ای از کاری که می‌خواهد انجام دهد، ندارد گمان من این نیست که مشکل خیلی پیچیده باشد، اما در هر حال، عجالتاً [که تجربه‌ای طولانی از عموم رفتارها داریم] مشکل حل است و راه حل آن در دسترس.^{۵۶}

پ) **سودگرایی قاعده‌محور:**^{۵۷} این نظریه قواعد را محور اساسی اخلاق می‌داند و معتقد است که همیشه باید با توسل به یک قاعده، وظیفه خود را در امور جزئی مشخص کنیم، و ملاک انتخاب قواعد نیز بیشترین خیر عمومی بر «هرکس» می‌باشد. ملاک انتخاب قواعد این است که کدام قاعده بیشترین خیر عمومی را برای هرکسی فراهم می‌کند و انتخاب، ابقا، تعویض، و تجدیدنظر در قواعد باید براساس سود آن‌ها صورت گیرد. اسقف بارکلی و آربی. برنت و بنا بر نظر برخی جان استوارت میل از این نظریه حمایت کرده‌اند.^{۵۸} پذیرش قواعد برای اخلاق از نکات مثبت سودگرایی قاعده‌نگر است ولی نداشتن پایه‌های صحیح هستی‌شناسی و انسان‌شناسی برای درک خیر واقعی انسان و قواعدی که او را به آن مطلوب نهایی می‌رساند، از موارد ضعف نظریه یاد شده است.

مشهور این است که فایده‌گرایی در روایت اولیه خود فایده‌گرایی عمل‌محور بوده است، ولی انتقادات و نارسایی‌هایی متوجه آن شده که برخی تلاش کرده‌اند، روایتی دیگر از آن را مطرح کنند تحت نام فایده‌گرایی قاعده‌محور.^{۵۹} لجان استوارت میل، اصلاحاتی بر سودگرایی عمل‌نگر دارد و متمایل به سودگرایی قاعده‌محور است.

فرق سودگرایی عمل‌محور با سودگرایی قاعده‌محور

در سودگرایی معطوف به عمل، ملاحظات اخلاقی تعیین‌کننده آن‌هایی هستند که مشخص می‌کنند کدام عمل فردی در شرایط خاص محتملاً می‌تواند بیشترین شادکامی یا نفع را سبب شود. در این قرائت، دغدغه و توجیه اخلاقی متوجه اعمال فردی است، و نه قواعد و اصول کلی. این دیدگاه در برابر سودگرایی معطوف به قاعده قرار دارد. رویکردی به تأمل اخلاقی که اهمیت را به قواعدی می‌دهد که گمان می‌رود به‌طور کلی به ارتقاء نفع می‌انجامند. مدافعان سودگرایی معطوف به عمل می‌گویند مبتنی ساختن تصمیم اخلاقی بر سایر مبانی، مانند نفع کلی افرادی که طبق قواعد کلی عمل می‌کنند، مغایر با

ج. فی استیوارت، *ف. فایده‌گرایی*، ص ۴. ۲. فی لنداشت مرتضی مرده ۵

ج. فی استیوارت، *ف. فایده‌گرایی*، ص ۸۴ و ۶۱

Rule – Utilitarianism.

. حسن معلّم، *مبانی و معیاری اخلاق*، ص ۸۲

ج. فی استیوارت، *ف. فایده‌گرایی*، ص ۳. ۱۵. ۲. فی لنداشت مرتضی مرده ۵

تعهدات اولیه سودگرایی است، زیرا اعمالی را مجاز می‌کند که می‌دانیم به بیشینه‌شدن نفع منجر نمی‌شوند. سودگرایی معطوف به قاعده می‌پذیرد که ممکن است در مواردی عدم صداقت بیشترین نفع را پدید آورد، اما روی هم‌رفته و با مد نظر قرار دادن نفع موجود در تلاش برای فهم آنچه باید انجام داد، دلیل قاطعانه‌ای برای صداقت وجود دارد. بنابراین باید عادت صداقت را به‌عنوان رویکردی کاملاً عام در برقراری ارتباط و بازنمایی تشویق کرد. آنچه باید توجیه کنیم قواعد و رویه‌های عام است، و سپس کاملاً اعمال فردی، بر اساس اینکه چه نسبتی با آن قواعد و رویه‌ها دارند، یا موجه خواهند بود یا خیر. سودگرایی معطوف به قاعده ادعا می‌کند که به دلیل نفع کلی مفروض در اتکا به قواعد، قرائتی درست از سودگرایی است. جان استوارت میل در کتاب «سودگرایی» تمایزی بین سودگرایی معطوف به عمل و سودگرایی معطوف به قاعده قائل نمی‌شود، و برخی عبارات و مباحث آن را می‌توان شاهی بر هر دو نظر شمرد. این تمایز تا مدتی بعد از نگارش اثر میل به صراحت برقرار نشد.^{۶۰} نظریه‌پردازان اخلاقی متأخر میان فایده‌گرایی مبتنی بر عمل و فایده‌گرایی مبتنی بر قاعده تفاوت قائل شده‌اند. در فایده‌گرایی مبتنی بر عمل، اصل فایده در مورد هر عمل برنامه‌ریزی شده به کار گرفته می‌شود. یعنی عامل باید با هر عمل حساب کند که کدام گزینه سبب بیشترین خوشبختی می‌شود. اُفرق سودگرایی عمل‌گرا با سوداگرایی قاعده‌نگر در این نیست که عمل‌نگر به هیچ وجه از قاعده استفاده نمی‌کند، بلکه برداشت آن‌ها از قاعده متفاوت است. تصویر سودگرایی عمل‌گرا از قاعده‌راست‌گویی عبارت است از: «راستگویی معمولاً دربردارنده بیشترین خیر عمومی است» ولی تصویر سودگرایی قاعده‌گرا عبارت است از: «راست گفتن دائمی دربردارنده خیر عمومی است» یا «اگر همیشه راست بگوییم، متضمن بیشترین خیر است». در واقع در این نظریه، داشتن قاعده مهم است، هر چند در موارد جزئی بیشترین خیر عمومی را نداشته باشد یا حتی مضر باشد؛ زیرا عمل به قانون و رعایت آن در مجموع، بیشترین خیر را برای عموم به دنبال دارد.^{۶۲}

۲.۱.۴. تقسیم دوم: براساس تفسیر خیر به لذت یا ترجیح

الف) سودگرایی لذت‌گرا: ابنتام گفته است در صورت برابر بودن کمیت لذت، بازی کودکان همان قدر خوب است که شاعری. سخن بنتام ناظر به سودگرایی لذت‌گراست؛ یعنی ملاک خیر، لذت است. در این نوع، کیفیت لذت لحاظ نمی‌شود.

ب) سودگرایی آرمان‌گرا (ترجیح‌گرا): سودگرایی آرمان‌گرا عقیده دارد که حاصل جمع خوبی یا بدی نتایج می‌تواند به اموری غیر از امور لذت‌بخش یا دردناک مبتنی باشد. فایده‌گرای آرمان‌گرا در محاسبات و جمع و تفریق خود در کنار لذت و درد به اموری چون معرفت و تأمل در اشیاء زیبا هم عنایت دارد یا به تعبیر بعضی از آن‌ها لذات به دو دسته لذات عالی و دانی تقسیم شده‌اند. اگرچه بخش عمده بحث در باب نفع‌گرایی به طبیعت‌گرایی لذت‌گرایانه اندیشمندانی چون بنتام و میل مربوط می‌شود، گونه‌هایی از نظریات سودگرایی نیز وجود دارند که مستلزم برداشتی لذت‌گرایانه از خیر نیستند و حتی طبیعت‌گرا هم نیستند. نظریه اخلاقی جی. ای. مور صورتی از سودگرایی آرمانی است. برداشت آن از خیر غیرطبیعی و غیرلذت‌گرا است، اما برای نظریه اخلاقی‌اش بسیار مهم است که ما با هدف بیشینه‌کردن نفع عمل کنیم.^{۶۳} از این نوع سودگرایی با عنوان سودگرایی معطوف به ترجیح preference-utilitarianism نیز نامبرده شده است. در تعریف و تبیین آن گفته شده است که، شکلی از سودگرایی است که طبق آن، اعمال بر حسب اینکه چه میزان از ترجیحات را برآورده می‌سازند، ارزیابی می‌شوند. وزن این ترجیحات برای نشان دادن میزان اهمیت‌شان سنجیده می‌شود. مطابق این دیدگاه، اهداف، علقه‌ها، و ارزش‌های شخص می‌توانند به اصطلاح ترجیحات ترجمه شوند.^{۶۴}

ج ۱۱، آ، جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۸۳ ۸۴ ۶۹

نیکولاس ک. پالاس، به لم میل و مکتب فایده‌گرایان، ص ۱۰ ۶۱

دیوید مک‌لار، بصیرت اخلاقی، ص ۶ ۷ ۶۲

۱۸ Hedonistic Utilitarianism.

مجتبی گلستانی، بخش، لمی از که به مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون گذاری، ص ۶۴ ۶۵

ج ۱۱، آ، جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۸ ۱۰ ۶۵

ج ۱۱، آ، جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۸ ۱۰ ۶۶

برای میل، تأکید بر شخصیت فاعل اخلاقی، برای درک گستره معنا و درک ماهیت خوشبختی و شادمانی نقش مهمی داشت. او که از همین حیث شدید منتقد بنتام بود، می‌گفت بسیاری، لذت را با ذوق کودکانه از لذت اشتباه می‌گیرند. بسته به شخصیتِ شخص، لذات برتر داریم و لذات فروتر. لذات فروترند که با وظیفه در تعارض‌اند نه لذات برتر. شخصیت رشدیافته، از کمک به دیگران محظوظ می‌شود. در نگاه بنتام تقریباً همیشه خودخواهی بر تعهد اجتماعی سبق می‌برد، فقط هم‌جهتی ناگزیر آن‌ها است که ضامن نوعی اخلاق است. به عبارتی، در نگاه او خوشبختی همان خرسندی و رضایت خاطر است؛ اما میل می‌گفت که تجربه‌گرایی بنتام تجربه‌گرایی کسی است که تجربه اندکی دارد. او کوشید با وارد کردن فاکتور رشد شخصیت و توسعه ذائقه لذت، خوشبختی را فراتر از خرسندی بنشاند و وجدان و وظیفه را هم در دایره لذت، اگرچه با شعاعی دورتر، قرار دهد. میل مهم‌ترین منشأ و محمل خوشبختی و خوشحالی را، در یک دنیای مترقی، اخلاقیات برتر و هنر می‌انگارد. برای او حس شرافت و نیاز به بزرگی، چیزی است که به دارندگان آن کمک می‌کند تا تفاوت «لذت برتر» و «لذت فروتر» را دریابند. از نظر او با پرورش حس همدلی طبیعی آدمی نسبت به هم‌نوع خود، می‌توان مسئولیت اجتماعی را در عداد لوازم خوشبختی در آورد. یکی از شارحان استیوارت میل می‌گوید: «لذت‌گرایی به‌عنوان یک نظریه فلسفی با لذت‌گرایی در برداشت عوام فرق می‌کند. در تداول عامه، معمولاً غرض از این تعبیر، رضایت حسی فوری بدون توجه به پیامدهای درازمدت آن و بدون توجه به ارزش لذات نهفته در فعالیتهای فکری و هنری و لذت ناشی از احساس رضایتی است که از انجام وظیفه در ارتباط با دیگران و مواردی چون همدلی و دوستی حاصل می‌شود. اما لذت‌گرایی فلسفی همه این لذات را مدنظر می‌گیرد.» در عین حال این نکته مطرح است که قرار دادن این مجموعه تحت‌عنوان لذت، امری متفق‌علیه فلاسفه هم نیست؛ و همین باعث مناقشاتی در ماهیت نظریه اخلاقی استیوارت میل شده است. بنتام، به قطع، یک فایده‌گرای لذت‌محور است (اگرچه یک سانسوئالیست که فقط به شادخواری و تجمل مادی نظر داشته باشد نیست) و مور یک فایده‌گرای آرمانی حداکثری. یک فایده‌گرای لذت‌محور می‌پذیرد و بل تأکید می‌کند که خوبی نتایج یک عمل فقط موقوف و مأول به لذت‌های آن است و یک فایده‌گرای آرمانی (یا به تعبیر رایج‌تر، یک پیامد‌گرای غیرلذت‌باور) نظیر مور، معتقد است که لذت حتی شرط لازم خوبی نیز نیست تا چه رسد به شرط کافی بودن آن. میل، اگر سخنان او را در مورد لذات والا جدی بگیریم، نه یک لذت‌گرای صرف است و نه یک فایده‌گرای آرمانی صرف. او ظاهراً ادعا می‌کند که لذت‌گرای صرف است، و احتوا بر لذت، شرطی لازم برای هر خوبی است، اما لذات برتر در کیفیت، میزان اخلاقی مهم‌تری هستند.^{۶۷}

۳،۱،۴. تقسیم سوم: براساس ملاک پیشینه‌سازی خیر

الف) سودگرایی کنش‌گرا: ملاک پیشینه‌سازی خیر فقط برای داوری درباره کنش (عمل) فاعل است یا هم کنش و هم منش (شخصیت) او؟ در صورت اول سودگرایی کنش‌گراست و در صورت دوم، منش‌گرا. دانشمندان اسلامی، از دو اصطلاح کنش‌گرا و منش‌گرا، به حسن فعلی و حسن فاعلی تعبیر می‌کنند.

از سودگرایان کنش‌گرا جرمی بنتام است. در نظریه بنتام، به حسن و قبح فعلی توجه شده و به حسن و قبح انگیزه فاعل اشاره‌ای نشده است. از آنجایی که لذت و الم به‌عنوان پیامد فعل، تعیین‌کننده درستی و نادرستی اعمال‌اند، بنابراین شرایطی که فاعل در آن قرار گرفته است، شیوه‌ها و ابزاری که فاعل برای انجام دادن فعل به آن‌ها توسل می‌جوید و حسن و قبح انگیزه فاعل اهمیتی ندارد. بدین ترتیب در این دیدگاه، انسان باتقوا می‌تواند ارزشی به‌مراتب کمتر از فرد گناهکار داشته باشد.^{۶۸}

ب) سودگرایی منش‌گرا (فراگیر): فلسفه اخلاق در چند دهه اخیر شاهد کوشش پاره‌ای از فیلسوفان برای احیای توجه به منش و شخصیت فاعل بوده است. پاره‌ای از فیلسوفان فایده‌گرا با وجود پایبندی به اصل اساسی فایده‌گرایی، یعنی اصل پیشینه‌سازی خیر، پیشنهاد کردند که این اصل را، علاوه بر ارزیابی کنش فاعل، برای ارزیابی منش او نیز به‌کار گیریم. آن‌ها

ج. استیوارت میل، فایده‌گرایی ص ۸۱. ۱. ل. لداشت مرتضی مرتضوی

۶۸. محمد حسینی سوهری، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، «بررسی و نقد سودگرایی اخلاقی» ص ۸۸

این گونه از فایده‌گرایی را فایده‌گرایی فراگیر نام نهادند. در فایده‌گرایی فراگیر، هر چیزی که به فاعلیت مربوط است باید بر اساس ملاک ارزیابی فایده‌گرایانه، یعنی بیشینه‌سازی خیر، ارزیابی شود.^{۷۱}

۴.۱.۴. تقسیم چهارم: براساس مطلوب اصلی

در تفسیر مطلوب اصلی میان سودگرایان اختلاف است. برخی منفعت شخصی را مطلوب اصلی دانسته (مانند جرمی بنتام) و منفعت و سود عمومی را وسیله‌ای برای رسیدن به آن قرار داده‌اند و برخی منفعت عمومی را مطلوب اصلی قرار داده (جان استوارت میل) و منفعت و سود شخصی را فدای آن می‌کنند. از نظر گروه دوم، هرگاه منفعت عمومی حاصل شود، منفعت شخصی نیز به دست می‌آید. در واقع سود شخصی در گروه سود عمومی است. در جامعه‌ی بلادید و ناهماهنگ نمی‌توان سود شخصی را تضمین کرد. گرچه به این دو قسم در کتاب‌ها و مقالات مربوط به فلسفه اخلاق و به‌ویژه مکتب سودگرایی اشاره شده است اما نگارنده تاکنون عنوانی برای آن‌ها نیافته است. شاید بتوان گروه اول را سودگرایی شخصی و گروه دوم را سودگرایی عمومی نامگذاری کرد.

الف) سودگرایی شخصی: گروهی سود عمومی را وسیله‌ای برای رسیدن به منفعت شخصی به حساب می‌آورند و به آن توصیه می‌کنند. مدافع این نوع سودگروی، جرمی بنتام است. وی سودگرایی لذت‌گراست.^{۷۲} بنابراین خوب را معادل سعادت و سعادت را معادل لذت می‌داند... آنان نه تنها دیگرگرایی را با خودگرایی منافی نمی‌دانند، شرط لازم در تحقق منافع خود را توجه به سود و منفعت عمومی می‌شمارند.

ارزیابی سودگرایی شخصی:

استدلال دسته اول که مبنای آن‌ها در توصیه به سود عمومی، دست یافتن به سود و منافع شخصی است، ناتمام است. زیرا آنان مدعی‌اند برای رسیدن به سود و منفعت شخصی همواره باید سود عمومی را مورد توجه قرار داد و بدون توجه به سود عمومی نمی‌توان به منفعت شخصی دست یافت؛ درحالی‌که در موارد بسیاری، ممکن است توجه به سود عمومی با منافع شخصی مغایرت و تعارض داشته باشد. موردی را در نظر آورید که شخصی به‌سادگی می‌تواند از محل خطر دور شود و هیچ آسیبی نبیند. مانند وی در آن محل و اطلاع‌رسانی به دیگران، به سود عموم است، اما با منافع شخصی او مغایرت دارد.

ب) سودگرایی عمومی: برخی از سودگرایان نیز سود و منفعت عمومی را بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و اینکه آن را وسیله‌ای برای رسیدن به سود شخصی خویش بدانند، به لحاظ اخلاقی مطلوب می‌دانند و به آن توصیه می‌کنند. این گروه در ارزیابی اخلاقی افعال، به میزان سود و زیان مترتب بر نوع کار و نیز ملاک بیشترین سود برای بیشترین افراد توجه می‌کنند. یکی از کسانی که این دیدگاه را مطرح نموده، جان استوارت میل است. در نزد وی منفعت عمومی، مطلوب اصلی است... از نظر این گروه، چنانچه میان منافع شخصی و منافع عمومی تزاخم و اختلافی پدید آید، باید نفع عمومی را بر نفع شخصی ترجیح داد. گلبارت میل، اهمیت سود عمومی را نشان می‌دهد:

«همدلی و لذت بردن از به‌زیستی دیگران و غمگین بودن از رنج آن‌ها، برای دغدغه اخلاقی حائز اهمیت اساسی است. ما نمی‌توانیم فضایل نفع‌گرایانه را بدون همدردی کسب کنیم.»^{۷۳}

۷۰. Agency.

۷۱. شیرزاد پیک حرفه خد، ملکه نخستین، ریخته‌چهنه و لوی و نقد گونه، کلاسیک و مدرن فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق انگلیس، کسن و انگلو امریک، ص ۶۸.

۷۲. Hedonistic Utilitarianism.

۷۳. امیر خواص و اکبر حسینی قلعه بهمن و احمد دبیری و احمد حسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۸-۴۹.

ارزیابی سودگرایی عمومی:

الف) در نقد دیدگاه دسته دوم از سودگرایان نیز باید گفت: اگر فقری به طور پنهانی از ثروتمندی دزدی کند، به طوری که بدآموزی نداشته باشد و الگوی دیگران هم قرار نگیرد، آیا با معیار سود می توان این کار را خطا دانست؟ در اینجا کار فقیر بیشترین غلبه شر بر خیر را به همراه ندارد.

ب) به چه دلیل باید منفعت عمومی را بر منفعت فردی ترجیح داد؟ چرا باید از لذت خود برای نفع عمومی صرف نظر کرد؟ ترجیح دادن منافع دیگران بر خود، یک حکم بدیهی عقلی نیست. از این رو باید پیش فرض های فلسفی این نظریه روشن گردد.^{۷۵}

پ) اشکال دیگر این است: نفع عموم چگونه قابل تشخیص است؟ تشخیص نفع عموم با توجه به پیچیدگی های روابط اجتماعی، چندان کار آسانی نیست. آرای متعارض در باب نفع عموم، براساس چه معیاری باید سنجیده شود؟ آیا داشتن سلاح هسته ای در شرایطی خاص به سود عموم است یا به زیان آنها؟ اگر در یک جامعه بر سر سود عمومی اختلاف نظری جدی وجود داشت، چه باید کرد؟ پیروان نظریه سودگروی هیچ معیاری ارائه نکرده اند.^{۷۶}

نتیجه گیری

در این مقاله انواع نظریات غایت انگارانه (نتیجه گرا) معرفی و بررسی شد. این نوع نظریات، در مقایسه با نظریات وظیفه انگارانه، دو ویژگی برتر دارند: الف) برای عموم مردم محسوس تر و ملموس تر هستند چون تکیه بر نتایج عمل و تا حدی طبیعت انسانی دارند. ب) عنصر تحریک و تشویق، با در نظر گرفتن نتایج اعمال، انسان ها را به اخلاقی بودن سوق می دهد. نظریات وظیفه انگارانه مانند نظریه اخلاقی کانت، فاقد ویژگی های فوق است و علاوه بر آن پیچیده تر و دیرفهم تر هستند. بنابراین، پرداختن به نظریات غایت انگارانه و بررسی جوانب آنها ضروری است.

در این نوشتار، هر سه قسم نظریه غایت انگارانه (خودگرایی، دیگرگرایی، و همه گرایی "فایده گرایی") مطرح و اشکالات وارد بر این نظریات بررسی شد. البته با توجه به اهمیت مکتب فایده گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ شخصی و عمومی مردم، مطالب بیشتری به آن اختصاص داده شد و اقسام آن و اشکالات وارد بر آن طرح و بررسی شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ایرجی نیا، اعظم پژوهش های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنیام»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال شانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۴، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۳۲.
۳. پاکین، ریچارد و استرول، آروم، ۱۳۹۶، کلیات فلسفه، مترجم: سیدجلال الدین مجتبی، چ سی و دوم.
۴. پالمر، مایکل، ۱۳۸۹، مسائل اخلاقی: متن آموزشی فلسفه اخلاق، مترجم: علیرضا آل بویه، تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و انتشارات سمت، چ دوم.
۵. پیک حرفه، شیرزاد، ۱۳۹۴، خاستگاه نخستین تاریخچه واکاوی و نقد گونه های کلاسیک و مدرن فایده گرایی در فلسفه اخلاق انگلو ساکسن و انگلو امریکن، تهران: نگاه معاصر، چ اول.
۶. جیکوبز، جان اتان آ، ۱۳۹۶، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، مترجم: سیدمحمدعلی تقوی و زهره علوی راد، تهران: نشر مرکز، چ اول.

۷۵. منوچهر صانعی دره بیدی، فلسفه اخلاق در تفکر غرب، ص ۱۱۱.

۷۶. امیر خواص و اکبر حسینی قلعه بهمن و احمد دبیری و احمد حسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۵۰-۵۱.

۷. خواص، امیر و حسینی قلعه‌بهمن، اکبر و دبیری، احمد و شریفی، احمدحسین و پاکپور، علی و اسلامی، ۱۴۰۰، محمدتقی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ویراستار: امیرعباس رجبی، قم: دفتر نشر معارف، چ شانزدهم.
۸. دبیری، احمد، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق با رویکرد تربیتی، قم: دفتر نشر معارف، چ سوم.
۹. حسینی سورکی، محمد، ۱۳۹۰، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، «بررسی و نقد سودگرایی اخلاقی»، س ۱۲، شماره ۴۷، ص ۸۷-۱۲۶.
۱۰. شیروانی، علی، ۱۳۸۲، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم: دارالفکر، چ سوم.
۱۱. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، فلسفه اخلاق، مترجم: هادی صادقی، قم: مؤسسه فرهنگی طه، چ اول.
۱۲. کاپالدی، نیکولاس، ۱۳۸۳، بن‌تام میل و مکتب فایده‌گرایی، مترجم: محمد بقائی (ماکان)، تهران: اقبال، چ اول.
۱۳. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۲، تاریخ فلسفه: از بن‌تام تا راسل، ۱۳۸۲، مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و سروش، چ سوم.
۱۴. گلستانی، مجتبی، پایان‌نامه با عنوان: بخش‌هایی از کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری، نگارش: جرمی بن‌تام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) / ترجمه و مقدمه، استاد راهنما: منوچهر صانعی دره‌بیدی، استاد مشاور: احمد مسگری، سال انتشار ۱۳۸۰، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کارشناسی ارشد، رشته فلسفه.
۱۵. محمدرضایی، مهدی و فراهانی‌فرد، سعید، مقایسه عدالت از دیدگاه اسلام و مکتب سودگرایی، فلسفه دین، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۳۰.
۱۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، فلسفه اخلاق، تهران: بنیاد ۱۵ خرداد، چ دوم.
۱۷. معلمی، حسن، ۱۳۹۳، فلسفه اخلاق، تهران: کانون اندیشه جوان، چ اول.
۱۸. معلمی، حسن، ۱۳۹۸، فلسفه اخلاق، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چ چهارم.
۱۹. معلمی، حسن، ۱۳۸۹، مبانی و معیارهای اخلاق، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران مرکز نشر هاجر، چ دوم.
۲۰. مک ناوتن، دیوید، ۱۳۸۰ش، بصیرت اخلاقی، مترجم: محمود فتحعلی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی &.
۲۱. میل، جان استیوارت، ۱۳۹۷، فایده‌گرایی، تهران: نشر نی، مترجم: مرتضی مردیپا، چ هفتم.
۲۲. Mill, John Stuart, 2002, Utilitarianism and on Liberty, oxford Blackwell.
۲۳. Rachels, James, 1993, The element of moral philosophy, New York, mcccraw Hill.
۲۴. Rawls, John, 1971, A Theory of Justice. Cambridge, MA: Harvard University Press.